



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۴۱	تاریخ	۱۴۰۳/۰۹/۰۶
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	نوع اول: استدلال به کتاب				
عنوان ۵	استدلال به آیه نفر				
عنوان ۶	تقریب میرزای نائینی رحمته الله در استدلال				
عنوان ۷	اشکال امام خمینی رحمته الله بر مقدمات استدلال میرزای نائینی رحمته الله				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور درس گذشته

در جلسه گذشته، تقریب میرزای نائینی رحمته الله در استدلال به آیه نفر برای اثبات حجیت خبر را بیان کردیم و گفتیم ایشان پنج مقدمه بیان می کنند و بر اساس آنها می فرمایند دلالت آیه بر حجیت خبر واحد تام است. مقدمه اولی که میرزای نائینی رحمته الله مطرح کردند، این بود که تفقه در آیه، شامل علم ناشی از اعمال نظر و علم ناشی از غیر اعمال نظر می شود و به هر دو تفقه گفته می شود و در صدر اسلام، تفقه معمولاً به معنای اعمال نظر و فکر نبوده است؛ بلکه سماع از معصوم بوده است.

مقدمه دوم این بود که انذار، همانطور که شامل «ما یخاف منه مباشرة» می شود که همان عقاب است، شامل «ما ینذر منه بالتلازم» نیز می شود که احکام شرعیه هستند؛ زیرا بر مخافت آنها عقاب بار می شود. بنابراین این انذار، انذار به معنای بیان احکام شرعیه است که اخبار از ملازم عقاب است.

بحث امروز در اشکالات مرحوم امام رحمته الله بر مقدمات میرزای نائینی است.

اشکالات امام خمینی بر تقریب میرزای نائینی

مرحوم امام رحمته الله، به مقدمات سوم تا پنجم میرزای نائینی اشکال وارد می کنند.

اشکال امام خمینی رحمته الله علیه بر مقدمه سوم

مقدمه سوم میرزای نائینی این بود که گرچه ابتدای آیه یعنی «فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ»، ظهور در عموم مجموعی دارد؛ اما انتهای آیه که می‌فرماید: «لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ»، ظهور در عموم استغراقی دارد؛ بنابراین آیه بدین معناست که «لینذروا کل واحد واحد منهم». و این، اطلاق دارد؛ چه اینکه انذار، افاده علم کند و چه اینکه افاده علم نکند و آیه می‌فرماید «لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» از این انذاری که ممکن است غیر مفید علم باشد. پس آیه دلالت بر حجیت خبر دارد. امام خمینی رحمته الله علیه در اشکال به این مقدمه می‌فرماید عموم استغراقی - بر فرض پذیرش - دلالت بر شمول افرادی دارد؛ یعنی هر فردی از آنها را شامل می‌شود و معنای آیه این می‌شود که «لینذروا کل فرد فرد من المتفقهين قومهم». اما استدلال میرزای نائینی متوقف بر این است که این انذار، اطلاق احوالی نیز داشته باشد. به عبارت دیگر استدلال ایشان، بر اطلاق احوالی متوقف است که آن «و ان لم يفد العلم» است. اگر این اطلاق احوالی نباشد، قدر متیقن از حذر، حذر مفید علم خواهد بود و در این صورت آیه بر حجیت خبر دلالت نخواهد داشت؛ زیرا وجوب حذر از انذار مفید علم، موجب حجیت خبر نمی‌شود. اثبات عموم احوالی، نیاز به مقدمات حکمت دارد؛ درحالی که آیه در مقام بیان از این جهت نیست که انذار، افاده علم کند یا افاده علم نکند^۱.

رد اشکال

به نظر ما این اشکال مرحوم امام رحمته الله علیه وارد نیست؛ زیرا نکته‌ای در بیان مرحوم میرزا رحمته الله علیه وجود دارد که گویا ایشان متوجه این اشکال بوده است و در صدد بوده که با بیان این نکته، این اشکال را دفع کند. بیان میرزا این است که می‌فرماید:

«ان الإنذار إنما يكون بتفقه كل واحد منهم الرجوع إلى قومه الذي لا يحصل العلم من قوله غالباً»^۲؛

گویا مرحوم میرزا می‌فرماید: این اطلاق احوالی، اطلاق احوالی متوقف بر بیان مقدمات حکمت نیست تا گفته شود آیه در مقام بیان این مورد نیست؛ بلکه در اینجا قرینه دیگری - غیر از مقدمات حکمت - بر اطلاق وجود دارد و آن این است که غالباً خبر واحد، مفید علم نیست؛ لذا هنگامی که معنای آیه این بود که «لینذروا کل فرد فرد من المتفقهين قومهم» و غالباً خبر واحد، مفید علم نبود، اگر بگوییم این انذار، مخصوص انذار موجب علم است و این حذر، حذر از انذار موجب علم است، نتیجه این می‌شود که اغلب انذارها از تحت این شمول خارج می‌شود. به عبارت دیگر، از این جهت که انذار غالباً مفید علم

۱. متن تقریرات درس امام خمینی رحمته الله علیه چنین است: «و ذلك أهر ما في الباب من الإشكال - وملخصه: إنكار إطلاق الآية بالنسبة إلى حصول العلم من قول المنذر وعدمه: فإن إطلاق فرع كون المتكلم في مقام البيان، وليس في الآية ما يشعر بكونه سبحانه في مقام بيان تلك الجهة بعامة خصوصياتها. فإن الآية - حسب بعض تفاسيرها - في مقام بيان وجوب أصل النفرو قيام عدة به، ورجوعهم وإنذارهم وتحذيرهم. وأما لزوم العمل بقول كل منذر: سواء كان عادلاً أم فاسقاً، واحداً أم متعدداً، حصل منه الظن أو العلم أم لا فليس في مقام بيانها حتى يؤخذ بإطلاق الآية. والعجب: أنه قد صار بصدد دفع الإشكال، فقال: بعد ما عرفت من أن المراد من الجمع هو العام الاستغراق لا يبقى موقع لهذا الإشكال؛ إذ أي إطلاق يكون أقوى من إطلاق الآية بالنسبة إلى حالي حصول العلم من قول المنذر وعدمه؟! انتهى. وأنت خبير: أن كون العام استغراقياً لا يثبت الإطلاق من ناحية الفرد؛ إذ لا منافاة بين كون الحكم شاملاً لكل أحد وبين حجية قول كل واحد منها في ظروف خاصة وأوقات معينة».

تهذيب الأصول؛ ج ۲، ص ۴۶۷.

۲. اجود التقريرات؛ ج ۲، ص ۱۱۰.

نیست، اگر گفته شود که حذر تنها از انذار مفید علم واجب است، بدین معناست که از اکثر انذارها، حذر واجب نباشد؛ در نتیجه چنین بیانی نزد عرف مستهجن خواهد بود.

خلاصه اینکه اگر عموم استغراقی پذیرفته شود و گفته شود آیه بدین معناست که بر تک تک افرادی که تفقه کردند، انذار واجب است و حذر از این انذار واجب است، ناچار باید اطلاق احوالی را نیز قبول کرد؛ نه به دلیل مقدمات حکمت؛ بلکه به این دلیل که چنین چیزی معقول نیست که تنها حذر از انذار مفید علم واجب باشد؛ زیرا در این صورت حذر از اغلب انذارها لازم نخواهد بود؛ چراکه غالباً چنین است که موجب علم نمی شوند. در نتیجه، اگر امر به انذار، مخصوص انذار موجب علم باشد، عرفاً مستهجن است.

اشکال امام خمینی رحمته الله علیه بر مقدمه چهارم

مقدمه چهارم مرحوم میرزا رحمته الله علیه این بود که هنگامی که «لعل» در مقام تعلیل به کار برود، مفید علیت ما بعد، برای ما قبل است؛ لذا در این آیه می فهماند که «حذر»، علت غاییه وجوب انذار است. در این صورت، با توجه به اینکه وجوب انذار مطلق است و شامل انذار غیر مفید علم نیز می شود، پس غایت نیز باید به همان اندازه وجوب مغیا واجب باشد؛ در نتیجه حذر، از انذار واجب می شود؛ اگرچه انذار، مفید علم نباشد.

مرحوم امام می فرماید چنین نیست که «لعل» همواره برای افاده غایتیت ما بعد برای ما قبل باشد؛ مثلاً در آیه که می فرماید:

﴿فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا﴾^۱

[گویی می خواهی به خاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک کنی اگر به این گفتار ایمان نیاورند.

در این آیه، گرچه عبارت «إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا...» بعد «لعل» آمده است؛ اما در حقیقت، قبل آن است؛ یعنی معنایش چنین است: «إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِذَا الْحَدِيثِ فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ»؛ بنابراین اگر در اینجا، ما بعد «لعل» بخواهد غایت برای ما قبل آن باشد، بدین معناست که عدم ایمان آنها، برای هلاکت رسول الله صلی الله علیه و آله باشد؛ درحالی که چنین نیست و هدف آنان که ایمان نمی آوردند، اهلاك نبی صلی الله علیه و آله نبوده است.^۲

رد اشکال

به نظر ما این نقد مرحوم امام رحمته الله علیه بر کلام میرزا رحمته الله علیه نیز وارد نیست. مرحوم امام بنابر آنچه در تهذیب (تقریرات درس امام خمینی رحمته الله علیه) آمده، این ادعا را به مرحوم میرزا نسبت می دهند که «لعل» در تمام موارد، افاده غایتیت ما بعد برای ما قبل می کند؛

۱. سورة كهف: ۶.

۲. متن تقریرات درس امام خمینی رحمته الله علیه چنین است: «أَنَّ مَا ادَّعَا مِنْ أَنَّ مَا يَقَعُ بَعْدَ كَلِمَةِ «لَعَلَّ» إِنَّمَا يَكُونُ دَائِمًا عِلَّةً غَائِيَةً لِمَا قَبْلَهَا مَنقُوضٌ بِقَوْلِهِ تَعَالَى: «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا»؛ فَإِنَّ الْجُمْلَةَ الشَّرْطِيَّةَ وَإِنْ كَانَتْ مُتَأَخِّرَةً ظَاهِرًا لِكُنْهَا مُتَقَدِّمَةً عَلَى قَوْلِهِ تَعَالَى: «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ...» إِلَى آخِرِهِ حَسَبَ الْمَعْنَى. مَعَ أَنَّ مَا بَعْدَ «لَعَلَّ» لَيْسَ عِلَّةً غَائِيَةً لِمَا قَبْلَهَا؛ أَعْنَى الْجُمْلَةَ الشَّرْطِيَّةَ؛ فَإِنَّ بِخَوْصِ نَفْسِهِ الشَّرِيفَةِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ عِلَّةً غَائِيَةً لِعَدَمِ إِيْمَانِهِمْ؛ وَإِنْ كَانَ مُتَرَتِّبًا عَلَيْهِ، غَيْرَ أَنَّ التَّرْتِيبَ وَالِاسْتِلْزَامَ غَيْرُ الْعِلَّةِ الْغَائِيَةِ». تهذیب الأصول؛ ج ۲، ص ۴۶۴.

درحالی که مرحوم میرزا چنین ادعایی نکرده است و نگفته است که در هر موردی که «لعل» به کار رود، افاده غایت ما بعد برای ما قبل می کند. عبارت مرحوم میرزا چنین است:

«انها إذا وقعت في مقام التعليل فهي إنما تفيد كون ما بعدها علة غائية لما قبلها»؛

ایشان می فرمایند اگر «لعل» در مقام تعلیل بود، آن وقت افاده تعلیل ما بعد برای ما قبل می کند و در آن وقت است که گفته می شود اگر قبل «لعل» واجب بود، بعد آن - که غایت است - نیز باید واجب باشد. تمام این موارد، در صورتی است که اثبات شود که «لعل»، در مقام تعلیل است.

بنابراین این اشکال نقضی که مرحوم امام رحمته الله فرمودند، بر کلام میرزای نائینی رحمته الله وارد نیست.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین